



# تاریخ ماکو

○ رحیم نیکبخت

۳ - تاریخ ماکو، به کوشش میر اسدالله موسوی ماکویی که در سال ۱۳۷۶ توسط نشر بیستون منتشر شده، کتاب دیگری است در این موضوع. این کتاب در شماره ۲۱ (۱۳۷۷) مجله گفتگو توسط آقای کاوه بیات نقد و بررسی شده است. کتاب با ترجمه و مقاله مفصلی از مینورسکی در مورد ماکو آغاز می‌شود. تاریخ باستانی ماکو، ماکو در دوره اسلامی تا برافتادن اقبال السلطنه ماکویی به دست رضاشاه در این کتاب به طور گذرا و ناقص مرور می‌شود. شجره‌نامه خاندان بیات ماکو، نظرات دیگران در مورد اقبال السلطنه، آثار تاریخی، معرفی هفت شاعر ماکویی - البته بسیار ناقص - معرفی خانواده‌های مشهور ماکو از قسمت‌های دیگر این کتاب است. با توجه به تاریخ مهم ماکو به ویژه در عصر قاجاریه این کتاب اطلاعات قابل توجهی به خوانندگان ارایه نمی‌دهد.

۴ - تازه‌ترین اثری که به گوشه‌هایی از تاریخ ماکو پرداخته کتاب تاریخ ماکو، نوشته یکی از خان‌زاده‌های بیات ماکو به نام حسینقلی افتخاری بیات است. این کتاب که یادداشتهای پراکنده مؤلف می‌باشد، نسخه خطی آن در انستیتو خطی محمد فضولی شهر باکو نگهداری می‌شود، توسط آقای حسین احمدی برای چاپ آماده شده است. گرچه این کتاب پنجمین کتاب<sup>۱</sup> در مورد «تاریخ ماکو» است با این حال باید نظریه دبیر مجموعه، آقای کاوه بیات را قبول کرد که نوشته است: «حوزه ماکو گرچه موضوع بررسی‌هایی چند بوده است... ولی تا فراهم آمدن یک تصویر نسبتاً جامع از تحولات آن راهی طولانی در پیش است» و بر همین اساس «با توجه به قلت منابع و مأخذ درباب تحولات این حوزه مهم از تاریخ معاصر ایران» این یادداشتهای

در مورد تاریخ شهر سوق الجیشی ماکو چند کتاب تاکنون منتشر شده است که هر یک زوایایی از تاریخ این منطقه را روشن می‌کنند: ۱ - تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین ماکو، تألیف محمدرحیم نصرت ماکویی (قم، چاپخانه علمیه، ۱۳۷۳ قمری) نصرت ماکویی (نصرت‌الملک) در این کتاب اطلاعات ذی‌قیمتی از تاریخ ماکو به‌ویژه در عصر مشروطیت و خان‌های ماکو از خود به یادگار گذاشته است. اغلب مطالب این کتاب به تصریح مؤلف «اکثر حکایات و جغرافیای آن صفحات به یک واسطه یا خود به چشم دیده متکفل شده‌ام درایت است نه روایت» (ص ۳) حوادث ماکو از عصر محمدشاه به بعد: عصیان شیخ عبدالله کُرد، مسایل ایلات و عشایر اطراف ماکو و کشورهای دیگر عصیان و یاغیگری اسماعیل آقا سمیتقو و پدرش، واقعه سلماس، انقلاب ماکو، جنگ اسمعیل آقا و آشوری‌ها و سرانجام اقبال السلطنه، شرح حال مؤلف در هنگام بروز این اتفاقات در این کتاب بیان شده است. علی‌رغم گذشت حدود نیم قرن از چاپ این کتاب، اطلاعات مندرج در آن از اعتبار و ارزش فراوانی برخوردار است.

۲ - مونوگرافی شهر ماکو، تحقیق و نوشته حافظ قربانی، اثر دیگری است که در پانزده بخش ریزنگاری این شهر را شامل می‌شود: باستان‌شناسی، آثار باستانی، موقعیت جغرافیایی، تأسیسات اقتصادی اجتماعی، مذهب، آداب و رسوم، زبان و لهجه، ایلات و عشایر و...

لازم به ذکر است کتاب فوق که در سال ۱۳۷۰ چاپ شد، پایان‌نامه تحصیلی آقای قربانی در سال تحصیلی ۱۳۵۰-۵۱ برای دریافت مدرک لیسانس به راهنمایی مرحوم دکتر غلامحسین صدیقی بوده است.

- تاریخ ماکو
- نگارش: حسینقلی افتخاری بیات
- به کوشش: حسین احمدی
- ناشر: نشر و پژوهش شیرازه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۱۰۷ ص



پراکنده ارزش چاپ پیدا کرده است. حسینقلی افتخاری بیات که تا دوره رضاشاه زنده بود در این یادداشت‌ها، نخست طایفه خود را معرفی و سپس قلعه ماکو را توصیف نموده است. وی عقیده دارد بیات‌ها قبل از صفویه در ماکو سکونت داشته‌اند. ماکو و خوانین آن در عصر قاجاریه، واقعه مشروطه و خوانین ماکو، جنگ جهانی اول و ماکو از دیگر یادداشت‌های مؤلف است. در صفحات ۵۱ الی ۵۴ هم دو سند، یکی از شاه عباس ثانی و دیگری از سلطان حسین صفوی که اصل آنها گویا در اختیار مؤلف بوده درج شده است. اوضاع طبیعی، جغرافیا، ساکنان دهات و قرا و خوانین ماکو مطالب بعدی کتاب است. هدف حسینقلی از نگارش این یادداشت‌ها را می‌توان از نصایح پایانی کتاب دریافت. در صفحه ۷۸ کتاب وی پس از ذکر نام دهات و قراء ماکو و وضعیت مالکیت آنها که قبلاً در تملک خان‌های بیات بوده است، می‌نویسد: «چون مقصود از اسم بردن این املاک نه این بود که خوانندگان محترم تصور فرمایند برای حشمت و مکتب این خانواده بوده است. نه چنان نیست. محض ملاحظه روزگار و شعور اولاد است که خانواده رو به ترقی گذاشت خداوند همه قبیل اسباب دنیوی را فراهم می‌کند وقتی که شکر نعمت ننموده به مقام طغیان دانه لاغیری برآمدند حاکم قادر اول شعور و عقل فراست آنها را ضایع و محو می‌کند و بعد به مرور اموال و املاک او را از دستش می‌گیرد...»

به عبارت دیگر می‌توان گفت مؤلف از نوشتن این یادداشت‌ها ضمن مرور گذشته خان‌های ماکو می‌خواسته این سرگذشت‌ها درس عبرت و پندی فراروی آیندگان باشد.

در پایان این مطالب، نگارنده در مورد منابع تاریخ‌نگاری شهرهای آذربایجان نکته‌ای را برای تذکر لازم می‌داند: متأسفانه در پژوهش‌ها و تحقیقاتی که در مورد تاریخ شهرهای شمال شرقی ایران و کلاً تاریخ آذربایجان صورت می‌گیرد منبع بسیار مهمی نادیده گرفته شده است و آن اسناد وزارت امور خارجه است. کارگزاری‌های وزارت خارجه عصر قاجاریه در شهرهایی که مستقر بوده‌اند علاوه بر وظایف مربوط به مسایل امور خارجه، گزارش‌هایی از حوادث و رویدادهای شهرهای مربوطه تهیه و به پایتخت ارسال می‌کردند. امید است محققان و پژوهشگران تاریخ آذربایجان به این منبع مهم حتماً مراجعه نمایند. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه محل نگهداری و سرویس‌دهی در این مورد است البته با ضوابط و مقررات. پرواضح است فعالیت‌های مثبت یا منفی اقبال‌السلطنه ماکویی که از یک سو با دولت مرکزی و از دو سوی دیگر با روسیه تزاری و بعد با عثمانی و ترکیه جدید در رابطه بوده است. در اسناد وزارت خارجه و کارگزاری ماکو منعکس شده است.

گفتنی است کتاب حاضر (تاریخ ماکو از حسینقلی افتخاری بیات)، در شماره ۵۸-۵۹ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (سال پنجم، شماره ۱۰ و ۱۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۱)، صفحه ۱۳۲ نیز معرفی و بررسی شده است.

#### پی‌نوشت:

۱ - ماکو و ماکوئیان اثر ابراهیم زادگان کتاب دیگری است که در سال ۱۳۴۲ منتشر شده است. ولی در اختیار نگارنده نبود تا به اجمال هم که شده معرفی شود.



# نظرات یک مورخ افغان درباره خیزش‌های مردم قندهار، هرات و سیستان و بلوچستان بر ضد صفویان ایران و بابریان هند در قرن ۱۸ م

اشاره:

بررسی حاضر به صورت یک نامه اخیراً توسط یک ایرانی از کویته پاکستان ارسال شده که نظر به قابل توجه بودن آن به عرض خوانندگان محترم می‌رسد.

پرداخته، با خیالپردازی و داستان‌سرایی در بیان شکست‌ها و ناکامی‌های قوم خود (که امری طبیعی و برای هر قومی قابل اتفاق است.) هزاران توجیه و تعلیل می‌تراشد و با بیان مطالب دیگر از پرداختن صحیح و تحلیل منطقی قضایا طفره می‌رود.

از جمله درباره پیروزی شاه اسماعیل صفوی بر شیبک خان ازبک و قتل وی در جنگ (که یکی از وقایع مهم پادشاهی شاه اسماعیل و از علل هموار شدن فتوحات بعدی وی در افغانستان و ماوراءالنهر بود) به سادگی و با عنوان اینکه: شیبک خان اتفاقاً در آن جنگ کشته شد، از کنار مطلب می‌گذرد و برعکس به شرح پر آب و تاب قطعه‌قطعه کردن شیبک خان (که پس از حمله وحشیانه وی به مشهد مقدس و غارت بارگاه رضوی و قتل عام مردم آن سامان اتفاق افتاد) می‌پردازد. (ص ۲ س ۱۴). از موضوع قتل عام خاندان صفوی به دست محمود افغان (در حالیکه به اصطلاح در پناه شاه افغان بودند) و قتل عام تمام سران و وزیران و فرماندهان اصفهان به دست محمود (پس از قیام مردم قزوین) به راحتی می‌گذرد و آن را ناشی از غضب شاه می‌شمارد! (ص ۳۳ س ۱۷ به بعد) ولی جمع‌آوری پول و آذوقه از سوی مردم اصفهان برای نادر را جبر و عنف و غارت مردم از سوی نادر می‌خواند! (ص ۴۷ س ۱۵) ۵. نویسنده در ذکر حوادث، دقت و وسواس یک مورخ را به خرج نداده و واقعیات را فدای نتیجه‌ای که می‌خواسته است، می‌کند. از جمله در ذکر کشتار مردم دهلی توسط نادرشاه تنها به «شایع کردن مرگ نادر» و بروز عصبانیت وی از این قضیه و صدور دستور قتل عام اکتفا کرده است، در حالیکه مورخان به تفصیل علل و عوامل آن را ذکر کرده‌اند.

نظریه: گرچه برخی اقدامات تعصب‌آمیز صفویه و به ویژه اقدامات خودسرانه قزلباش‌ها با فرهنگ ایلات و خشن خود و به ویژه نصب گرگین خان گرجی (گرجستانی تازه مسلمان) به حکومت قندهار (با مردمی متعصب و مذهبی و سابقه‌ای کهن) انگیزه اولیه طغیان افغانه و بروز جنگ و دشمنی بین شیعه و سنی شد (که تبعات آن کم و بیش تا به امروز وجود دارد) و زیاده روی آنها در سخت‌گیری بر غیرمسلمان‌ها، به ویژه زرتشتی‌ها، باعث همکاری آنان در حمله و پیشروی افغانها گردید، لیکن در انتشار چنین کتابهایی بدون شک اهداف سیاسی و اختلاف افکنانه‌ای نهفته است که ضروری می‌سازد با دیدی انتقادی مطالعه شوند.

اخیراً کتابی با عنوان خیزش‌های مردم قندهار، هرات و سیستان بر ضد صفویان ایران و بابریان هند در قرن ۱۸ م. به قلم آقای محمداعظم سیستانی از کشور افغانستان از سوی مؤسسه گنتبرگ (زاگرس میدیا) در کشور سوئد به چاپ رسیده و در پاکستان نیز به گستردگی توزیع شده است. نویسنده کتاب عضو «آکادمی علوم افغانستان» سوئد است و تاکنون حدود پانزده جلد کتاب در موضوعات مختلف تاریخی و اقتصادی (نظام مالکیت ارضی و آبیاری) افغانستان به چاپ رسانده است. کتاب یاد شده اگرچه به بررسی خیزش‌های افغانه در دوره صفویه می‌پردازد، اما با مطالعه کتاب به نظر می‌رسد مؤلف اهداف سیاسی مشخصی را پی‌گیری می‌کند. که در زیر ضمن نقد کتاب، به آنها اشاره می‌شود:

۱- علیرغم عنوان کتاب مبنی بر شرح قیام‌های مردمی علیه صفویان و بابریان، هیچ اشاره به قیام مردم علیه «بابریان» در کتاب دیده نمی‌شود.  
۲- بخش چهارم کتاب (شامل ۲۸ صفحه) بدون آنکه در عنوان کتاب بدان اشارتی رفته باشد و یا ارتباطی با آن داشته باشد، به شرح لشگرکشی نادرشاه به افغانستان و خیزش‌های مردم علیه وی اختصاص یافته است.  
۳- بخش پنجم کتاب، باز به همان ترتیب و بدون ارتباط با عنوان کتاب به شرح تشکیل حکومت احمدشاه درانی و لشگرکشی‌ها و خدمات و سیاست ارضی... او اختصاص یافته و به نظر می‌رسد نویسنده محترم هیچگونه الزامی از نظر انطباق عنوان کتاب با محتویات آن برای خود قائل نبوده است.  
۴- به نظر می‌رسد آقای محمداعظم سیستانی، پشتونی متعصب و قوم‌گرا، با تمایلات مارکسیستی است که مثل بسیاری نویسندگان و مورخان پشتون، در اغراق‌گویی و قلب حقایق و تحریف واقعیات تاریخی، به نفع قوم خود، از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. از جمله در ذکر تعداد تلفات ایرانیان و ضعف آنان در مقابل پشتون‌ها داستان‌های حیرت‌انگیزی پرداخته است. (معلوم نیست این قوم چرا و چگونه در حملات نادر ظرف یک سال شکست خوردند و از تمام متصرفاتشان بیرون رانده شدند) آقای سیستانی در بزرگ‌نمایی پشتون‌ها، حتی به اقوال مسیحیان نیز متوسل و از پریشان‌گویی آنها علیه دولت عثمانی (که عمیقاً با آن عناد و دشمنی داشتند) نیز بهره می‌گیرد. (نامبرده تلفات لشکر عثمانی در جنگ با اشرف افغان را، به نقل از دکتر ویلم فلور، سی هزار نفر و تلفات افغان‌ها را ۱۴ نفر ذکر می‌کند. ص ۴۲ س ۱۳). این نویسنده در کوچک جلوه دادن اقدامات ایرانیان، به تحریف واقعیات